

AWARD

Case No. 11713

Chamber One

پروندهء شمارهء ۱۱۷۱۳

شعبهء یک

حکم شماره ۱-۱۱۷۱۳-۲۲۳

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران-ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	16 APR 1966
	۱۳۴۵ / ۱۱ / ۲۷
No	11713

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

رونالد استوارت کهلر،

ادعای کمتر از -/۲۵۰،۰۰۰ دلار که توسط
ایالات متحدهء آمریکا اقامه شده ،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده .

حکم

حاضران:

از جانب خواهان:

آقای جی. آر. کروک ،

نمایندهء رابط ایالات متحدهء آمریکا ،

آقای دی. ام. برابیس ،

قائم مقام نمایندهء رابط ایالات متحدهء آمریکا ،

آقای ام. اف. رابوین،

خانم ال. پی. پلک ،

دستیاران نمایندهء رابط .

از جانب خواننده :

آقای محمدکریم اشراق
نماینده، رابط جمهوری اسلامی ایران،

آقای علی اکبر ریاضی،
آقای ابوالحسن محمدی،
مشاوران حقوقی نماینده، رابط ،

آقای سهراب ربیعی،
آقای سعید نیازی،
دستیاران نماینده، رابط ،

آقای م. شریف ،
نماینده، سازمان صنایع دفاع ایران

آقای رضا ترشیزی،
نماینده، شرکت صنایع الکترونیک ایران

اول - تاریخچه، رسیدگیها

- ۱- در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دیماه ۱۳۶۰) ایالات متحده آمریکا دادخواستی حاوی ادعای کمترین -/۲۵۰,۰۰۰ دلار رونالد استوارت کهلر ("خواهان") علیه جمهوری اسلامی ایران ("خواننده")، به ثبت رساند.
- ۲- در ۱۶ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۱) پرونده حاضر به شعبه یک ارجاع گردید و در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۹ آذرماه ۱۳۶۲) به خواننده دستور داده شد لایحه دفاعیه اش را ثبت کند.
- ۳- در ۵ نوامبر ۱۹۸۴ (۱۴ آبانماه ۱۳۶۳) خواننده، لایحه دفاعیه ای از جانب سازمان صنایع دفاع و لایحه ای جداگانه از جانب بانک تجارت تحت عنوان جوابیه ادعا، به ثبت رساند.
- ۴- خواهان در ۲۹ آوریل ۱۹۸۵ (نهم اردیبهشت ۱۳۶۴) اظهاریه کتبی دیگری به صورت متمم دادخواست به ثبت رساند. سازمان صنایع دفاع و بانک تجارت،

در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۲ مهرماه ۱۳۶۴) هریک پاسخی به شیت رساندند.

۵- قبلاً، در ۲۹ مه ۱۹۸۵ (۸ خرداد ۱۳۶۴) خواننده ادعای متقابلی را ثبت کرده بود که خواهان دفاعیه، مربوط آنرا در ۱۵ اوت ۱۹۸۵ به شیت رساند. خواننده طی جوابیه‌ای در ۱۴ اکتبر ۱۹۸۵، (۲۲ مهرماه ۱۳۶۴) راجع به آن اظهار نظر کرد. خواهان نظراتش را راجع به اسناد ثبت شده از طرف ایران در ۱۴ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۲ مهرماه ۱۳۶۴) در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۸۵ (۲۳ آبان ماه ۱۳۶۴) به شیت رساند.

۶- در ۱۸ دسامبر ۱۹۸۵ (۲۷ آذرماه ۱۳۶۴) استماع پرونده برگزار شد.

۷- در جلسه استماع، خواننده سندی در تأیید دفاعیه سازمان صنایع دفاع تسلیم کرد. خواهان به شیت دیرا وقت این سند اعتراض کرد. دیوان به طرفین اطلاع داد که تصمیم درباره پذیرش یا عدم پذیرش ثبت آن سند، متعاقب جلسه استماع اتخاذ خواهد شد.

دوم- واقعیات و اظهارات طرفین

الف- صلاحیت

=====

۸- خواهان اظهار می‌دارد که وی به واسطه تولد، تبعه ایالات متحده بوده و بی‌عنوان مدرک، رونوشت قسمتهای مربوط گذرنامه‌اش را تسلیم نموده است.

۹- در ادعای حاضر، خواننده جمهوری اسلامی ایران به ویژه شامل شرکت صنایع الکترونیک ایران ("صنایع الکترونیک") و بانک تجارت است. صنایع الکترونیک شرکت تابعه کامل "متعلق به سازمان صنایع دفاع است که خود یک مؤسسه دولتی ایران است. اختلافی نیست که صنایع الکترونیک و بانک تجارت واحدهای تحت کنترل دولت ایران در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی می‌باشند.

۱۰ - در این هم اختلافی نیست که ادعا از یک یا چند فقره " دیون " قراردادها سلب مالکیتها یا سایر اقدامات مؤثر در حقوق مالکیت "، در مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی ناشی شده یا با آن مرتبط است، و خواهان به طور مداوم آنرا در اختیار داشته، و به استثنای آن بخش از ادعا که به وجوه سپرده در بانک تجارت مربوط می‌شود، ادعا در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده است .

۱۱ - در رابطه با آن بخش از ادعا که به وجوه سپرده در بانک تجارت مربوط می‌شود، خواننده اظهار می‌دارد که " خواهان قبل از بیانیه الجزایر، وجوه حسابهای سپرده ثابت و جاری خویش را از بانک ایرانیان سابق مطالبه نکرده، و لذا هیچ اختلاف یا ادعایی تا آن موقع بین خواهان و بانک وجود نداشته تا آن ادعا یا اختلاف پابرجا محسوب شود. " در نتیجه، خواننده مدعی است که این بخش از ادعا خارج از صلاحیت دیوان است .

۱۲ - خواهان اظهار می‌دارد که در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷)، اندکی پیش از عزیمت خود از ایران، شفاها " تقاضا کرد که وجوه سپرده حساب جاری اش در بانک تجارت، به دلار آمریکا، به حساب بانکی اش در ایالات متحده منتقل شود. طبق اظهار نامبرده، معاون شعبه بانک تجارت طرف معامله وی به وی اطلاع داد که بانک مرکزی ایران با چنین انتقالی موافقت نخواهد کرد. نامبرده استدلال می‌کند که در چنین اوضاع و احوالی تنها جاره عملی این بود که وجوهش را در حسابهای سپرده ثابت نزد بانک تجارت باقی گذارد تا الاقل بهره به آن تعلق گیرد. در نتیجه، ادعای وی مبنی بر خودداری بانک تجارت از انتقال این وجوه، در این تاریخ پابرجا بوده است .

۱۳ - خواهان، مضافاً " ادعا می‌نماید که از خودداری بانک تجارت از انتقال بهره متعلقه به حساب شماره ۵۲۶۵ در هنگامی که بانک نامبرده اصل مبلغ را منتقل می‌نمود و همچنین از اطلاعیه بانکی طی نامه مورخ ۱۳

اکتبر ۱۹۸۰ (۲۱ مهرماه ۱۳۵۹) مبنی بر اینکه برای انتقال سایر وجوه سپرده باید منتظر اجازه بانک مرکزی ماند، خواهان " دریافت " که بانک تجارت در واقع از انتقال سایر وجوه سپرده امتناع می‌ورزد . خواهان ، همچنین اظهار می‌دارد نرخ تبدیلی که طبق آن، مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ ریال اصل حساب شماره ۵۲۶۵ در ژوئن ۱۹۸۰ به حساب وی در ابوظبی انتقال یافت ، آنقدر نامساعد بود که در واقع در حکم ادامه امتناع از انتقال وجوه سایر حسابها بوده است .

۱۴ - خواننده اظهار می‌دارد که خواهان مدارک کافی در تایید این ادعا ارائه نکرده که معاون شعبه بانک تجارت به وی اطلاع داده است که بانک مرکزی با انتقال وجوه او موافقت نخواهد کرد. وی به نامه مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۱ مهرماه ۱۳۵۹) استناد می‌کند که هیچ ذکری از چنین امتناعی در آن نشده است . خواننده اظهار می‌دارد نرخ تبدیل که جهت انتقال وجوه به ابوظبی در ژوئن ۱۹۸۰ اعمال شد، توسط بانک مرکزی ایران مقرر گردیده بود .

ب - ادعا

مبلغ حاصله از اشتغال در صنایع الکترونیک ایران

۱۵ - خواهان از تاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۷۳ تا ۲۲ مه ۱۹۷۹ (۱۸ تیرماه ۱۳۵۲ تا اول خردادماه ۱۳۵۸) در استخدام شرکت صنایع الکترونیک ایران بوده است . در طول این مدت ، خواهان شرفقره قرارداد استخدامی امضاء کرد. آخرین این قراردادها ، که وی در آن به عنوان " مشاور مالی " نام برده شده است از تاریخ ۲۲ مه ۱۹۷۸ (اول خردادماه ۱۳۵۷) به مدت یکسال معتبر بوده است . به موجب این قرارداد ، خواهان حقوق ماهانه‌ای به مبلغ ۴،۹۰۰ دلار دریافت می‌کرد. در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۹ شهریورماه ۱۳۵۷) حقوق وی ، به ۵،۱۰۰ دلار افزایش یافت و این

افزایش از تاریخ ۲۲ مه ۱۹۷۸ (اول خردادماه ۱۳۵۷) احتساب شد .
نصف حقوق وی به ریال پرداخت می‌شد و نصف دیگر به دلار امریکا ، به
حساب وی در منیو فکحررزها نورتراست کامپنی نیویورک واریز می‌گردید .
قرارداد در ۲۲ مه ۱۹۷۹ (اول خردادماه ۱۳۵۸) خاتمه می‌یافت .
خواهان ادعا می‌نماید که صنایع الکترونیک مبلغ ۱۰،۸۷۳ دلار طلب وی
بابت حقوق و مزایای دیگرش را ، که به شرح زیر آنها را تفکیک می‌کند ، به
وی نپرداخته است :

۱ - بخش حقوق قابل پرداخت به دلار

برای ماههای فروردین و اردیبهشت

(۲۱ مارس ۱۹۷۹ تا ۲۲ مه ۱۹۷۹)
۵،۱۰۰/- دلار

۲ - بخش حقوق قابل پرداخت به دلار

بابت مرخصی با حقوق
۱،۹۴۸/- دلار

۳ - فوق العاده نقل مکان یا استقرار مجدد
۳،۸۲۵/- دلار

جمع کل ۱۰،۸۷۳/- دلار

=====

۱۶ - خواننده اظهار می‌دارد که خدمات خواهان در تاریخ انقضای قرارداد یعنی
۲۲ مه ۱۹۷۹ (اول خردادماه ۱۳۵۸) ، خاتمه یافت و " خواهان کلیه
میالغی را که در پایان مدت قرارداد استحقاقش را داشت دریافت
کرده و بدینسان با شرکت تسویه حساب نموده است . " خواننده
برای اثبات این مطلب که میالغ مدعا به خواهان بابت حقوق ماههای
فروردین و اردیبهشت وی ، و حقوق ایام مرخصی اش به وی پرداخت شده
به سند مورخ مه ۱۹۷۹ حاوی توضیح زیر و امضای خواهان ، استناد
می‌کند: " پرداخت در وجه آقای گوهر بابت تسویه حساب با شرکت به شرح
زیر":

در جلسه استماع ، خواننده اصل سند مزبور را ارائه نمود . خواننده

اظهار می‌نماید، درحالی که مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ ریال قابل پرداخت به ریال، به وسیله چک تاء دبه شد، مبلغ ۳۲۸،۰۲۴ ریالی که معادل آن در سند حاضر قابل پرداخت به دلار اعلام شده، نقداً " به خواهان پرداخت شده است. خواننده، ضمن این استدلال که شخصی با موقعیت و سمت خواهان، بدون اینکه تمامی مطالب طلبش را دریافت کرده باشد، چنین سندی را امضاء نخواهد کرد، مضافاً " اظهار می‌دارد که سند حاضر نیز دلیل برای این واقعیت است که خواهان قبلاً " آن بخش از حقوق ماه فروردینش را که قابل پرداخت به دلار است، دریافت کرده بوده است.

۱۷ - خواهان منکر آنست که نصف مبلغ قابل پرداخت به دلار بابت حقوق فروردین ماهش را دریافت کرده است. وی، دریافت نصف مبلغ قابل پرداخت به دلار بابت حقوق اردیبهشت ماه، و همچنین حقوق ایام مرخصی اش را نیز که به گفته وی حتی در سند مورخ مه ۱۹۷۹، مبلغ ۳۲۸،۰۲۴ ریال قابل پرداخت به دلار امریکا اعلام گردیده، انکار می‌نماید. خواهان اظهار می‌دارد که این سند فقط سند تسویه حساب ماه اردیبهشت است و امضای وی در ذیل آن فقط بابت دریافت چک ۳۰۰،۰۰۰ ریالی بوده که وی قبول دارد دریافت کرده است. نامبرده می‌گوید که، بنا بر این امضای وی نه ثابت می‌کند که کلیه مطالب طلبش را دریافت کرده و نه حاکی از تسویه حساب کامل است. خواهان توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که در سند قید شده که مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ ریال، قابل پرداخت به ریال و معادل مبلغ ۳۲۸،۰۲۴ ریال، قابل پرداخت به دلار بوده است. خواهان اظهار می‌دارد که گرچه چک دلیل بر پرداخت مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ ریال است، با این حال خواننده هیچ مدرکی دال بر پرداخت معادل دلاری مبلغ ۳۲۸،۰۲۴ ریال، که در سند یاد شده قابل پرداخت به دلار ذکر شده، ارائه نکرده است. خواهان همچنین، به عنوان مدرک عدم دریافت این مطالب، به دو نامه که وی در ژوئیه ۱۹۷۹، اندکی پس از عزیمتش از ایران به مقامات صنایع الکترونیک نوشته و در آن

- پرداخت مبالغ مذکور را تقاضا کرده است، استناد می‌نماید.
- ۱۸ - خواهان تصدیق می‌کند که ماده شش قرارداد استخدام، فوق العاده نقل مکان محدد را محدود به کارمندانی کرده که از خارج از ایران استخدام شده‌اند، لیکن وی به مدرکی استناد می‌کند که طبق اظهار وی از آئین نامه استخدامی صنایع الکترونیک استخراج شده است. در این مدرک، فوق العاده مزبور به عنوان مزایای قابل پرداخت به اتباع امریکایی استخدام شده در ایران توصیف شده، که شامل وضع استخدامی او می‌شده است. نامبرده، همچنین به نامه‌ای استناد می‌کند که وی در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۷۹ (۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) به مدیرعامل صنایع الکترونیک نوشته و در آن ذکر کرده که این فوق العاده به کارمندی به نام برایین مالونی پرداخت شده است.
- ۱۹ - خواننده به صحت و اصالت مدرکی که خواهان آنرا مستخرج از آئین نامه استخدامی صنایع الکترونیک قلمداد می‌کند، ایراد می‌گیرد. نامبرده به ماده بیست و یک قرارداد استخدامی اشاره می‌کند که مقرر می‌دارد هرگونه تفسیر و اصلاحی در قرارداد، باید " به صورت کتبی بوده و به امضای هر دو طرف برسد".

وجوه سپرده در بانک تجارت

- ۲۰ - خواهان مدعی است که در ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، یعنی یک روز پیش از عزیمتشان از ایران، مبلغ ۳۵۰،۰۰۰ ریال در چهار فقره حساب سپرده ثابت در یکی از شعبات بانک تجارت ایران تودیع کرد، زیرا معاون شعبه مزبور درخواست وی را برای انتقال وجوه حساب جاری اثر به دلار به حساب بانکی وی در نیویورک، رد کرد. خواهان ادعا می‌نماید که در عوض، به وی اطلاع داده شد که بانک مرکزی ایران با انتقال ایسن وجوه به دلار امریکا به حساب بانکی وی در نیویورک، موافقت نخواهد کرد. وی همچنین علاوه بروحی که در یک فقره حساب جاری داشت مبلغ

۲۰۰،۰۰۰ ریال نیز، از مارس ۱۹۷۹ در حساب سپرده ثابت نگهداشته بود.
 مشخصات حسابهای مزبور به شرح زیراند:

شماره حساب	اصل مبلغ سپرده	مبلغ موجود در حساب در تاریخ
۱ - ۵۲۶۵	۲۰۰،۰۰۰ ریال	۲۰،۰۰۰ ریال*
۲ - ۵۹۰۲	" ۱۰۰،۰۰۰	" ۱۰۸،۵۰۰
۳ - ۵۹۰۳	" ۱۰۰،۰۰۰	" ۱۰۸،۵۰۰
۴ - ۵۹۰۴	" ۱۰۰،۰۰۰	" ۱۰۸،۵۰۰
۵ - ۵۹۰۵	" ۵۰،۰۰۰	" ۵۴،۲۵۰
۶ - حساب جاری شماره		
۵۲۹۰۸-۷		" ۶۵،۳۳۱

ریال ۴۶۵،۰۸۱

۲۱ - خواهان مدعی است که در مارس ۱۹۸۰، وی از بانک تجارت خواست مبلغ موجود در حساب شماره ۵۲۶۵ را به آدرس وی، در ابوظبی، منتقل سازد. اصل مبلغ یعنی رقم ۲۰۰،۰۰۰ ریال به نرخ تسعیری که طبق اظهار بانک تجارت توسط بانک مرکزی مقرر شده بود، منتقل شد، ولی بانک تجارت به خواهان اطلاع داد که بانک مرکزی اجازه انتقال مبلغ ۲۰،۰۰۰ ریال را که معادل بهره متعلق به سپرده بود، نمی‌دهد. خواهان اظهار می‌دارد که به همین دلیل وی " دریافت " که بانک تجارت فی الواقع از انتقال تمام موجودی وی در حسابهای دیگرش خودداری می‌نماید و لذا کوشش دیگری برای انتقال این وجوه به عمل نیامد. خواهان ادعا می‌کند همانطور که در جدول بالا نشان داده شده، رقم

* خواهان، در دادخواست اصلی اش که در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دی ماه ۱۳۶۰) به ثبت رسیده سپرده موجود در این حساب را، بدون ذکر مبلغ آن مطالبه نمود، لیکن پس از ثبت لایحه دفاعیه که ضمن آن خواننده اظهار داشت که خواهان در واقع اصل مبلغ را دریافت کرده، خواهان در دادخواست تکمیلی اش شرح داد که وی فقط بهره متعلقه به مبلغ ۲۰،۰۰۰ ریال را مطالبه می‌کند.

پولهای وی در حسابهای نزد بانک تجارت، به ۴۶۵،۰۸۱ ریال بالغ می‌شود.

۲۲ - خواننده می‌پذیرد که خواهان وجوه سپرده‌ای به شرح مورد ادعا دارد. معذک، وی اظهار می‌دارد که " موجودی حسابهای خواهان نزد بانک تجارت بابت سپرده‌ها و حسابجاری او به ریال می‌باشد و خواهان می‌تواند با استرداد اوراق سپرده، وجوه سپرده‌ها را به ریال مسترد دارد. مضافاً "به‌اینکه در حال حاضر انتقال وجوه ریالی تابع مقررات پولی و ارزی کشور است و بدون اجازه بانک مرکزی ایران مقدور نمی‌باشد ". خواننده اظهار می‌دارد که خواهان " می‌تواند از حساب جاری خود بکسر ارائه امضای مجاز حساب طبق مقررات جاری به ریال استفاده نماید . " (نقل از لایحه خواننده - م)

۲۳ - در رابطه با اظهار خواننده مبنی بر اینکه خواهان می‌تواند با استرداد گواهی نامه‌های سپرده، وجوه خود را به ریال دریافت کند، خواهان می‌گوید که " خودداری مداوم ایران از انتقال وجوه خواهان بکسر ارز قابل تبدیل آسان، در واقع خواهان را از استفاده از آن وجوه محروم می‌سازد. پیشنهاد بانک تجارت... مبنی بر اینکه خواهان ریالها را برداشت کند اصولاً " منافی حق خواهان در استفاده از آنهاست، چه اتباع ایالات متحده به علت شرایط ایران از ورود یا اقامت امن در آن کشور عملاً منع شده‌اند". خواهان بر مبنای سه تئوری مسئولیت به شرح زیر به قانونی بودن جنین امتناعی ایراد می‌گیرد: یک (امتناع مزبور بکسر وظایف و مسئولیتهای خواننده، هم بموجب عهدنامه مودت و هم طبق حقوق بین الملل، منافات دارد، دو) این امتناع، مداخله در حقوق مالکیت خواهان نسبت به وجوه بوده و مصادره بالفعل به شمار می‌رود، سه) ایران به نحو غیر عادلانه‌ای دارا شده است.

۲۴ - در جلسه استماع، آقای نیازی، دستیار نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران، اظهار داشت که بانک تجارت حضور شخص خواهان در ایران را شرط

لازم نمی‌داند، لیکن نامبرده توضیح داد که وجه یاد شده فقط به همان ارزی که تودیع شده بوده قابل استرداد است. وی تأکید کرد که خواهان می‌تواند با کشیدن چک از خارج از ایران، از بول خود برداشت کند و یا، فی المثل برای خرید کالاها جهت حمل به خارج از ایران و یا پرداخت صورتحسابهای شخصی که به ایران سفر می‌کند، وجوه مزبور را ——— استفاده قرار دهد.

ج - ادعای متقابل

۲۵ - خواننده ادعای متقابلی به مبلغ ۴,۹۰۰,۱۸۶ ریال مطرح ساخته که مدعی است معادل بدهی مالیاتی خواهان نسبت به حقوق دریافتی وی در طول تمامی مدت اشتغالش در صنایع الکترونیک، می‌باشد. نامبرده همچنین اظهار می‌دارد که خواهان مسئول جریمه دیرکرد است و لی میزان آنرا مشخص ننموده. خواننده، طی لایحه بعدی اش، اظهار داشت که اصل بدهی مالیاتی خواهان ۵,۳۶۶,۹۱۹ ریال است و نامبرده مبلغ ۱۸۰,۵۹۰ ریال هم بابت جریمه دیرکرد بعلاوه بهره متعلقه به آنها بدهکار است. خواننده مدعی است که تعهد خواهان به پرداخت این مالیاتها از یک سلسله قراردادهای استخدامی فیما بین نامبرده و صنایع الکترونیک ناشی می‌شود. علاوه بر این، خواننده ادعا می‌کند که خواهان "از موقعیت خود در شرکت یاد شده و شغلی که در این شرکت بعنوان مدیر امور مالی و مشاور مالی و قائم مقام مدیرعامل شرکت مذکور داشته سوء استفاده کرده و برخلاف قانون و تعهد خود و شرایط امانت، از کسر مالیاتهای مربوطه خودداری و تمام حقوق خود را بدون کسر مالیات دریافت و برداشت نموده است.

۲۶ - خواهان استدلال می‌کند که ادعای متقابل، به شرح مقرر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی ناشی از " همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعا (ی وی) را تشکیل می‌دهد" نیست، بلکه از

قوانین مالیاتی ایران ناشی می‌شود و لذا از صلاحیت دیوان خارج است. خواهان، مضافاً اظهار می‌نماید که به هر صورت ادعا مبتنی است بر آخرین قرارداد استخدامی مورخ ۲۲ مه ۱۹۷۸ (اول خرداد ماه ۱۳۵۷)، در حالی که به قرار معلوم ادعای متقابل مبتنی است بر چندین قرارداد استخدامی که تاریخ آنها به ۱۹۷۳ می‌رسد. خواهان، همچنین استدلال می‌نماید که ادعای متقابل بموقع ثبت نشده، خواننده سازمان صنایع دفاع اهلیت طرح ادعای متقابل بابت مالیاتها را ندارد، دیوان دآوری فاقد صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل است، زیرا دیوانهای بین‌المللی عموماً " صلاحیت اجرای قوانین مالیات بردرآمد داخلی تک تک کشورها را ندارند، مدارک تسلیمی خواننده برای اثبات تعهد مالیاتی کافی نیست و با توجه به حسابرسی منظم دفاتر شرکت توسط سایر کارمندان و همچنین مسئولیت‌سایرین در مورد مسایل مربوط به لیست حقوق کارکنان، غیرقابل قبول است که خواهان موفق شده باشد در طول تمام دوره اشتغالش در صنایع الکترونیک از پرداخت مالیات طفره رفته باشد، و نیز کارکنان صنایع الکترونیک به موجب بند ۱۰ ماده ۹۵ فصل سوم قانون مالیاتهای مستقیم ایران از پرداخت مالیات معاف بوده‌اند. بالاخره، خواهان ادعاهای خواننده مبنی بر رفتار خلاف اخلاق را " ناهنجار و افتراآمیز " توصیف می‌کند.

سوم - دلایل حکم

الف - پذیرش اسنادی که دیربه‌شت رسیده

۲۷ - " دیوان هنگام اخذ تصمیم درباره اینکه آیا پذیرش سندی بعد از مهلت مقرر موجب تضییع حقوق یکی از طرفین می‌شود یا نه، محتوای سند و طول مدت و علت تاخیر را مورد بررسی قرار می‌دهد " هیات امنای دانشگاه کلمبیا و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۱۰۵۱۷-۲۲۲، سند ۲۳ (۲ آوریل ۱۹۸۶)، در اینجا خواننده تا استماع پرونده منتظر ماند

سندی را که می‌خواست بدان استناد کند، ارائه نماید. نامبرده در توضیح علت این تاء خیر اظهار داشت که چون وی سندی را که توسط خواهان در مه ۱۹۷۹ امضاء شده، به منزله دفاعیه کاملی در برابر بخشی از ادعای ناشی از اشتغال در صنایع الکترونیک تلقی می‌کرده، لذا لازم ندید که آن سند را پیشتر تسلیم نماید. از آنجا که خواننده نمی‌توانست پیش‌بینی کند که دیوان نهایتاً "چه اهمیت و اعتباری برای سند مورخ مه ۱۹۷۹ قایل خواهد شد، بنابراین دیوان توضیح مزبور را قانع کننده نمی‌یابد. از این رو دیوان داوری تصمیم گرفته است که در صدور حکم، سند مزبور را مد نظر قرار ندهد.

ب - صلاحیت

دیوان داوری متقاعد شده است که خواهان تبعه ایالات متحده آمریکا است. اختلافی نیست که شرکت صنایع الکترونیک و بانک تجارت، واحدهای تحت کنترل در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی هستند. رجوع شود به: التراستیمزاینکوروبوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۸۴-۲۷ صفحات ۸-۹ (انگلیسی) (۴ مارس ۱۳/۱۹۸۳ اسفندماه ۱۳۶۱) (صنایع الکترونیک)؛ هارزا انجینیرینگ و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۹۸-۱۹، ص ۸ (انگلیسی) (۳۰ دسامبر ۱۹۸۲/۹ دی ماه ۱۳۶۱) (بانک تجارت). همچنین، اختلافی نیست که ادعا از یک یا چند فقره "دین، قرارداد... صادره یا سایر اقدامات مؤثر در حقوق مالکیت" در مفهوم بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی ناشی شده یا با آن مرتبط است، و به طور مستمر در اختیار خواهان بوده و آن بخش از ادعا که از اشتغال در صنایع الکترونیک ناشی می‌شود در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) با برجا بوده است.

۲۹ - در رابطه با ادعای مربوط به وجوه سپرده حسابها در بانک تجارت، عالماً "به استثنای حساب شماره ۵۲۶۵ - به مبلغ ۴۴۵،۰۵۸۱ ریال،

دیوان داوری خاطر نشان می‌سازد که صرف داشتن وجه در حساب سپرده، گواینکه برای ایجاد حق قراردادی نسبت به دریافت وجه کافی است، با این حال به خودی خود در حیطه تعریف بند ۱ ماده دو بیانه حل و فصل عمومی قرار نمی‌گیرد تا ادعای " پاجرایی در تاریخ این بیانه " ایجاد نماید. برای اینکه بتوان ادعایی واقعی بر مبنای نقض قرارداد علیه بانک مطرح ساخت، باید دلیل و مدرکی حاکی از تقاضای درخواست پرداخت وجوه سپرده به تاریخی قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) در دست باشد. دیوان داوری ملاحظه می‌نماید برای انتقال وجوه مورد بحث هیچگاه درخواست مستقیمی به بانک تجارت داده نشده. خواهان در نامه مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۸ شهریور ماه ۱۳۵۹) خود به بانک تجارت چنین نوشت :

" مایلم توصیه شما را در این مورد بدانم که در مورد مبلغ ۳۵۰،۰۰۰ ریال سپرده‌های ثابت دیگری که در حال حاضر دارم چه باید بکنم؟ مایل نیستم این وجوه را به نرخ تسعیری که در نامه تان ذکر کرده بودید، یعنی ۲۴۲/۸ ریال در برابر ۱ لیره استرلینگ، تبدیل کنم. آیا امکانات دیگری برای سرمایه‌گذاری وجود دارد؟"

از نظر دیوان، این نامه تقاضای انتقال وجه به شمار نمی‌رود. همچنین پاسخ مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۱ مهر ماه ۱۳۵۹) بانک تجارت نیز نمی‌تواند به عنوان امتناع از انتقال این وجوه تلقی شود.

۳۰ - برای ارزیابی این اظهار خواهان که وی در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تقاضا نمود که پولها به حساب وی در نیویورک انتقال یابد و معاون شعبه بانک تجارت به وی اطلاع داد که بانک مرکزی چنین انتقالی را اجازه نخواهد داد، دیوان باید اظهارات خواهان در سوگندنامه اش را با توجه به اوضاع و احوال پیرامون آن، و نیز نحوه عمل خود وی، را مورد بررسی قرار دهد. گرچه این مطلب قابل درک است که خواهان احتمالاً ترجیح می‌داده پولش را هنگام عزیمتش از ایران همراه ببرد، با این حال تودیع این مبالغ نزد بانک تجارت، همچنین با

عدم تمایل وی به طی تشریفات کسب موافقت لازم از بانک مرکزی در آخرین روز اقامتش در ایران سازگار است. بعلاوه، دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که بانک تجارت در واقع موافقت بانک مرکزی را کسب و مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ ریال موجود در حساب شماره ۵۲۶۵ را منتقل نمود و در پاسخ مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۱ مهرماه ۱۳۵۹) خویش به خواهان اطلاع داد که " درخصوص مبلغ ۳۵۰،۰۰۰ ریال (سپرده ثابت) به مجرد ارسال گواهی نامه‌های مربوطه (دررسید)، پس از اجازه بانک مرکزی ایران به شما منتقل خواهیم کرد". با توجه به چنین نحوه عمل بعدی بانک تجارت و با ملاحظه اوضاع و احوال مربوط به تودیع این وجوه توسط خواهان یک روز قبل از عزیمتش، دیوان متقاعد نشده است که خواهان مجبور بوده به علت امتناع بانک تجارت از انتقال این وجوه به ایالات متحده، وجوه مزبور را در حساب سپرده تودیع نماید.

۳۱ - در چنین اوضاع و احوالی دیوان متقاعد نشده که برای انتقال این مبالغ درخواستی بعمل آمده باشد. به همین دلایل، دیوان برای نظر است که آن بخش از ادعا که به رقم ۴۴۵،۰۸۱ ریال سپرده نزد بانک تجارت مربوط می‌شود، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده است. از این رو، این بخش از ادعا به دلیل فقد صلاحیت باید رد شود. معذک، دیوان توضیح آقای نیازی در جلسه استماع را راجع به طرقی که خواهان می‌تواند از این وجوه استفاده کند، یادآور می‌شود. رجوع شود به : بند ۲۴ بالا.

۳۲ - و اما خواهان برای انتقال مبلغ ۲۰،۰۰۰ ریال بهره متعلقه به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ ریال سپرده حساب شماره ۵۲۶۵، تقاضا بعمل آورد و بانک تجارت طی نامه مورخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۱ مهرماه ۱۳۵۹) به خواهان اطلاع داد که " بانک مرکزی ایران با انتقال وجه موافقت نکرده است ". بنابراین، این بخش از ادعا در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده و به همین دلیل در صلاحیت دیوان می‌باشد.

ج - اصل دعوی

۳۳ - خواهان نسبت به حقوق و سایر مزایایی که طبق شرایط قرارداد استخدامی اش به وی قابل پرداخت بوده صاحب حق است. استحقاق خواهان به دریافت حقوق ماههای فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ و حقوق ایام مرخصی مورد اختلاف نیست. خواهان معترف است که نصف این مبالغ را که قابل پرداخت به ریال بوده دریافت کرده است. آنچه که مورد اختلاف است، دریافت نصف دیگر مبلغ است که قابل پرداخت به دلار بوده است. خواننده که بار اثبات پرداخت این مبالغ به خواهان را برعهده دارد، اظهار می‌نماید سندی که توسط خواهان در مه ۱۹۷۹ امضاء شده، سند تسویه حساب خواهان با صنایع الکترونیک بوده و ثابت می‌کند که خواهان این مبالغ را دریافت کرده است. دیوان این سند را به صورتی که خواننده ابراز می‌کند، تلقی نمی‌نماید. به نظر می‌رسد امضای خواهان فقط تایید دریافت چک بمبلغ ۳۰۰،۰۰۰ ریال، یعنی بخش ریالی حقوق و سایر مزایای قابل پرداخت در ماه اردیبهشت بوده و با این توقع (خواهان) که مبلغ دلاری مندرج در سند، طبق رویه معمول صنایع الکترونیک در مورد بخش دلاری حقوق خواهان، به نیویورک منتقل خواهد شد کاملاً سازگاری دارد. هیچ دلیل و مدرک دیگری جهت اثبات اینکه وجه مزبور نقداً به خواهان پرداخت شده، توسط خواننده ارائه نگردیده است.

سند مزبور، همچنین دلیل بر آن هم نیست که خواهان بخش دلاری حقوق فروردین ماه را دریافت کرده است. ظاهر سند نشان می‌دهد که مربوط به ماه اردیبهشت است و خواننده دلیل و مدرکی جهت اثبات این پرداخت ارائه نکرده است. دیوان داوری، همچنین ملاحظه می‌نماید که دو نامه‌ای که خواهان، اندکی پس از عزیمت‌ش از ایران به مقامات صنایع الکترونیک نوشته و پرداخت این مبالغ را تقاضا نموده است، حاکی از این واقعیت است که خواهان مبالغ مزبور را دریافت نکرده است. درجین

شرایطی ، دیوان داوری براین نظر است که خواننده ثابت نکرده است که بخش دلاری حقوق ماههای فروردین و اردیبهشت ، یا نصف دلاری حقوق ایام مرخصی ، به خواهان پرداخت شده است . لذا دیوان نتیجه میگیرد که خواهان مبلغ ۲۰۵۵۰ دلار (نصف حقوق فروردین ماه) از تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۷۹ (اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و مبلغ ۴۰۴۹۸ دلار (نصف حقوق اردیبهشت ماه و نصف حقوق ایام مرخصی قابل پرداخت به دلار) از تاریخ ۲۱ مه ۱۹۷۹ (اول خرداد ماه ۱۳۵۸) طلبکار بوده است .

۳۴ - دیوان داوری خاطر نشان میسازد که فوق العاده نقل مکان به عنوان فوق العاده استحقاقی خواهان در قرارداد استخدامی منظور نشده است . ماده بیست و یک قرارداد مقرر میدارد که هرگونه تغییر و اصلاحی " باید به صورت کتبی بوده و به امضای هر دو طرف برسد " خواهان مدعی نیست که چنین اصلاحی صورت گرفته باشد ، لیکن به سند یک صفحه ای بدون تاریخی استناد می نماید که ادعا می کند جدولی است مستخرج از آئین نامه استخدامی صنایع الکترونیک . هیچ دلیل و مدرکی راجع به منشاء یا شمول این سند در دست نیست و خواهان ثابت نکرده است که صنایع الکترونیک آنرا وقتی رسماً " تصویب و یا نسبت به قرارداد های استخدامی جاری عطف به ماسبق کرده باشد . در رابطه با نامه مورخ ۱۶ مه ۱۹۷۹ (۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) ، دیوان یادآور می شود که گرچه خواهان از مدیرعامل خواسته است که پرداخت این فوق العاده را تصویب نماید ، با این حال وی می دانسته که " تصمیم اولیه این است که من حق دریافت هزینه بازگشت را ندارم " و چنانچه این فوق العاده به وی پرداخت شود ، " استثنائی در خط مشی موجود به شمار خواهد رفت " . پس از دریافت این نامه ، خواننده درخواست خواهان را به هیچ صورتی تصویب یا تعهدی راجع به آن قبول ننمود ، بلکه نامه را بسه اداره حقوقی صنایع الکترونیک ارسال کرد . علاوه براین ، در نبود اطلاعات مربوط به شرایط خاص قرارداد استخدامی آقای براین مالونی ، دیوان

داوری نمی‌تواند به پرداخت فوق العاده مزبور توسط صنایع الکترونیک به نامبرده اهمیت و اعتباری قائل شود. به هر تقدیر، حتی اگر خواهان وضع قراردادی مشابهی را هم داشت، تصمیم به پرداخت این فوق العاده به آقای مالونی، الزاما " منشاء تعهد مشابه دایر بر پرداخت آن به خواهان نمی‌شد. مختصرا اینکه خواهان نتوانسته است استحقاق خود به دریافت این فوق العاده را ثابت کند و لذا این بخش از ادعا باید مردود شناخته شود.

۳۵ - در رابطه با ۲۰,۰۰۰ ریال بهره متعلقه به مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ ریال سپرده حساب شماره ۵۲۶۵، بانک تجارت وجه مزبور را منتقل نکرد، بلکه به خواهان اطلاع داد که بانک مرکزی ایران با انتقال آن موافقت نکرده است. با آنکه توجیه این امتناع برعهده بانک تجارت است، با این حال، بانک مزبور هیچگونه دلیل و مدرکی مبنی بر درخواست اجازه انتقال از بانک مرکزی یا مخالفت بانک مرکزی، ارائه ننموده است. همچنین بانک تجارت، استناد به هیچگونه مقررات ارزی که احتمالا مانع از انتقال می‌شده ننموده یا آنرا مطرح نساخته است. در شرایط موجود در پرونده حاضر، دیوان لزومی به بررسی مقررات ارزی نمی‌بیند و معتقد است که عدم انتقال ۲۰,۰۰۰ ریال بهره متعلقه توسط بانک تجارت پس از تقاضای انتقال، بمنزله نقض تعهدات قراردادی موجود فیما بین بانک و صاحب حساب بوده است. لذا، دیوان بر این نظر است که بانک تجارت، مبلغ مذکور را به خواهان بدهکار است.

۳۶ - مبلغ ۲۰,۰۰۰ ریال مزبور می‌بایست در تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۲ خرداد ماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخی که اصل مبلغ این حساب انتقال یافت، منتقل شده باشد. روشن است که قصد خواهان نگهداری این وجوه به ریال نبوده است. رقم ۲۰۰,۰۰۰ ریال اصل، به لیره استرلینگ منتقل شد. گرچه نرخ تسعیر مورد عمل توسط بانک تجارت در این انتقال طبق مقررات بانک مرکزی ایران، ۲۴۲/۸ ریال در برابر هر لیره استرلینگ، بوده است، با این حال، خواننده هیچ دلیل و مدرکی دال بر این مقررات

با میزان صحت یا معقول بودن این نرخ اقامه نکرده است. با توجه به شرایط موجود در پرونده حاضر، دیوان داوری براین نظر است که مبلغ ۲۰،۰۰۰ ریال، باید به دلار آمریکا به نرخ اعلام شده توسط صندوق بین المللی پول در ژوئن ۱۹۸۰، یعنی ۶۹/۹۲۰ ریال در برابر هر دلار تسعیر و از محل حساب تضمینی پرداخت شود. لذا، خواهان استحقاق دریافت ۲۸۶ دلار بابت این بخش از ادعا را دارد.

د - ادعای متقابل مالیاتی

۳۷ - بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که ادعای متقابل فقط در صورتی در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد که از " همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعا (ی اصلی) را تشکیل داده " ناشی شود. رجوع شود به: تی. سی. اس. سی. و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱۴۰-۲ - ۱۱۴، ص ۲۴ (انگلیسی) (۱۶ مارس ۱۹۸۴ / ۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۲). بدهی مالیاتی ناشی از اجرای قوانین ایران در مورد قرارداد، حائز این شرط نیست. رجوع شود به: سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۴۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴). خواننده دلیل و مدرکی ارائه نکرده که ثابت کند ادعای متقابل حاضر، مستقیماً از قرارداد فیما بین طرفین ناشی می‌شود. در مورد اظهار خواننده مبنی بر اینکه خواهان با عدم کسر میالغی به عنوان بدهی مالیاتی از حقوق خویش، تعهد قراردادی اش را نقض کرده، دیوان براین نظر است که گرچه خواهان مسئولیت کلی تهیه لیستهای حقوق کارمندان را بعهده داشته، با این حال خواننده ثابت نکرده است که وی مشخصاً " مسئول انجام کسورات مالیاتی بوده است. بنابراین، دیوان متقاعد نشده است که ادعای متقابل، ناشی از روابط قراردادی فیما بین طرفین آن قرارداد است. با توجه به مراتب، دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعای متقابل، خارج از صلاحیت آن بوده و باید مردود اعلام شود.

ه - بهره

۳۸ - شعبه حاضر روش یکسانی را در مورد بهره منظور در مبلغ احکام ایجاد و اعمال نموده است ، بدین معنی که رقم بهره در هر مورد معین را ، از نرخهای بهره اوراق سپرده های شش ماهه در طول مدتی که تعهد مورد ادعا بلاپرداخت مانده ، به دست می آورد . رجوع شود به : سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴) ؛ فرست تراول کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۱-۳۴-۲۰۶ (۳ دسامبر ۱۹۸۵ / ۱۲ آذرماه ۱۳۶۴) . بنابراین ، خواهان ذیحق دریافت بهره به نرخ ۱۱/۵۰ درصد در سال بابت مبلغ ۲،۵۵۰ دلار ، از تاریخ ۲۱ مه ۱۹۷۹ (۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و ۱۱/۲۵ درصد در سال بابت مبلغ ۲۸۶ دلار از تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۲ خردادماه ۱۳۵۹) ، تا تاریخی است که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد .

و - هزینه ها

خواهان ۱/۵۰ درصد مبلغ حکم را به عنوان هزینه های داوری خواستار شده است . این هزینه به ۱۱۰ دلار بالغ می شود . بنظر دیوان داوری بدیهی است که خواهان حداقل چنین مبلغ برای تعقیب این ادعا هزینه کرده باشد . لذا ، مبلغ ۱۱۰ دلار به عنوان هزینه های داوری در حکم منظور می شود .

چهارم - حکم

۴۰ - به دلایل پیش گفته ،

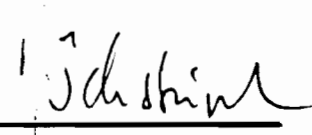
دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند :

الف - خواننده جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ هفت هزار و چهارصد و چهل و چهار (۷،۴۴۴) دلار آمریکا به اضافه بهره ساده به نرخ ۱۱/۵۰ درصد در سال (۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ دو هزار و پانصد و پنجاه دلار آمریکا (۲،۵۵۰ دلار) ، از تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۷۹ (اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و ۱۱/۵۰ درصد نسبت به مبلغ چهار هزار و چهارصد و نود و هشت (۴،۴۹۸) دلار آمریکا از تاریخ ۲۱ مه ۱۹۷۹

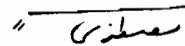
(۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و ۱۱/۲۵ درصد نسبت به مبلغ دویست و هشتاد و شش دلار آمریکا (۲۸۶ دلار) از تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۲ خرداد ماه ۱۳۵۹) تا تاریخی که کارگزارانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به خواهان رونالد استوارت کپلر، بپردازد. تعهد مزبور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹)، ایفاء خواهد شد.

- ب - بدینوسیله مابقی ادعاها و ادعاهای متقابل، مردود شناخته می‌شوند.
- ج - بدینوسیله حکم حاضر، جهت ابلاغ به کارگزارانی به ریاست دیوان تسلیم می‌شود.

لاسه، به تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ برابر با ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۵


کارل - هاینس بوکشتیگل

به نام خدا



محسن مصطفوی



هوارد ام . هولتزمن

کاملاً "موافق با حکم، بجز اینکه این نظر که بخشی از ادعا بابت وجوه تودیی در بانک تجارت، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده است. رجوع شود به: نظر جداگانه.

مخالف با بخشی از حکم و موافق با بخشی دیگر، رجوع شود به: نظر مخالف جداگانه